■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008 از ACS registrars

جام جم

■ شاپا: ISSN1735-3637
■ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir
■ www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌های اصفهان، اهواز تبریز ساری و همدان (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

چهارشنبه ۷ آذر ۱۳۹۷ | ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۵۹ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Wednesday - 2018 Nov 28

حدیث روز: نثر الدر

پیامبر اسلام(ص): با دارایی خود نمی‌توانید دل مردم را به دست آورید، پس دلشان را با اخلاق نیک به دست آورید.

پلک احساس: حمید مصدق

ای تو بهار و باغ من چشم من و چراغ من
بی همگان به سر شود، بی تو به سر نمی‌شود

امروز در تاریخ:

- آغاز عملیات مروارید از سوی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۹ ش) / روز نیروی دریایی
- درگذشت رضا سجادی از اولین گوینده‌ها و دوبلورهای ایرانی (۱۳۹۴ ش)
- درگذشت حمید مصدق، شاعر و حقوقدان ایرانی (۱۳۷۷)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۱/۵۲ | غروب آفتاب: ۱۶/۵۲
اذان مغرب: ۱۷/۱۱ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۸
اذان صبح (فردا): ۵/۲۵ | طلوع خورشید(فردا): ۶/۵۳

پیش‌بینی آب و هوا پنجشنبه

تهران	اهواز	اراک	بیرجند	تبریز	زاهدان	گرگان	یزد
۷ / ۱۶	۱۲ / ۲۲	۱ / ۱۶	۲ / ۱۸	۴ / ۱۲	۲ / ۲۰	۸ / ۲۳	۵ / ۲۰

حکمت ۲۳: نهج‌البلاغه

کسی که کردارش او را به جایی نرساند، افتخارات خاندانش او را به جایی نخواهد رسانید.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با فرزانه اسعدی؛ مجسمه ساز

با «هنر» دل سنگ را آب می‌کنم!

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

این تصور که چون من سنگ را می‌تراشم، آدم بی روح و سنگی هستم، تصور درستی نیست! من سنگ را نرم می‌کنم و از دل آن زیبایی را بیرون می‌کشم.

این‌ها بخشی از گفته‌های فرزانه اسعدی، مجسمه‌ساز است. هنرمندی که علاقه ویژه‌ای به سنگ و تراشیدن آن دارد. درست مثل همه مجسمه‌سازهای قدیمی و اصیل که اضافات یک سنگ را می‌تراشیدند و حذف می‌کردند تا زیبایی درون آن را نمایان کنند. درست مثل کار هر آدمی که باید با صبر و حوصله، ناهمگونی‌های خود را بتراشد تا به ذات و فطرت اصیل خود برسد. فرزانه اسعدی که سال ۴۲ در مشهد متولد شده، درس گرافیک خوانده و بعد به مجسمه‌سازی روی آورده و آنقدر در کارش مهارت یافته که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به او دکترای افتخاری داده است. با این هنرمند که سنگ‌های بزرگ را با مته و قلم‌آهنین تراش می‌دهد هم صحبت شدیم تا برایمان از زیبایی و حال خوب زیبا دیدن و زیبا زیستن بگوید.

نقاش بودید و با قلم مونقش می‌آفریدید، قلم را عوض کردید و مجسمه‌ساز شدید، این تغییر برای چه بود؟

اگر به ریشه مجسمه‌سازی در کشورمان دقت کنیم و آثاری که در این زمینه ساخته شد را مرور کنیم به این نتیجه می‌رسیم اگر هنر مجسمه‌های سنگی در ایران ادامه پیدا می‌کرد ما الان از کشور ایتالیا، جلوتر بودیم. ما از دوره هخامنشیان، ساخت مجسمه‌های سنگی را شروع کردیم که این آثار هنوز هم جهانیان را متحیر می‌کند. جوهره هنر از کودکی در من بود. هنوز هم گاهی با قلم‌مو نقاشی می‌کنم. گرایشم بیشتر سنگ‌تراشی است اما گاهی با مواد دیگر هم مجسمه می‌سازم. گاهی یک گرم سنگ قیمتی را می‌تراشم و گاهی سنگی پنجاه تُنی را. کار با سنگ را دوست دارم، سنگ سرد است و سخت اما من آن را نرم و گرم می‌کنم به گونه‌ای که مردم آن را دوست داشته باشند. بر خلاف تصور این‌که برخی فکر می‌کنند چون من ۳۰ سال است با سنگ کار می‌کنم، روح و روانم سنگی شده! اصلا این‌طور نیست. اتفاقا هر چه جلوتر رفته‌ام حساس‌تر و روحم لطیف‌تر می‌شود. احساس می‌کنم متعلق به همان نسل قدیمی هستم که در دنیای امروز متولد شده‌ام. افتخار می‌کنم که یک زن هستم و با تمام توانم تلاش می‌کنم، نماینده خوبی برای زنان ایرانی باشم و نشان دهم که آنها چقدر قدرتمند و توانمندند.

در ایران باستان، فرهاد را می‌شناسیم به عنوان سنگ‌تراش و کوه‌کن حالا قرار است یک خانم جای فرهاد را بگیرد؟

کارم را دوست دارم، پیکرتراشی در کوه یکی از علاقمندی‌هایم است، اما راستش را بخواهید، مسؤولان به من اعتماد نمی‌کنند که کارهای بزرگ را به من بسپارند. آنقدر به توانایی‌های خودم اعتقاد دارم که می‌توانم هر کوهی را به مجسمه تبدیل کنم. مگر توانایی من به اندازه آن پیکرتراش آمریکایی نیست؟ به اندازه آن پیکرتراش مصری نیست؟ هست! اما اعتماد نیست. سال ۹۰ برای همین کار به چابهار دعوت شدم اما متاسفانه به دلیل جابجایی مسؤولان نتوانستم کارم را به نتیجه برسانم. برخی از مسؤولان حتی می‌خندیدند و می‌گفتند که یک زن می‌خواهد ۶۳ متر کوه را تخلیه کند و پیکرتراشی کند. آیا بهتر نیست به ما اجازه کار بدهند بعد نتیجه کار را ببینند بعد بخندند. چرا فکر می‌کنند زنان توانایی اندکی دارند. به زنان عشایر نگاه کنید تا متوجه توانایی و قدرت زنان شوید!

فارغ از مشکلات پیرامون وقتی در کارگاه شروع به کار می‌کنید، چه حال خوبی را تجربه می‌کنید؟

قبل این‌که وارد کارگاهم و آتلیه‌ام شوم، حتما قرآن می‌خوانم. قرآن انرژی زیادی به من می‌دهد. وقتی وارد خلوت آتلیه‌ام می‌شوم از همه چیز دنیویی جدا می‌شوم و شروع به ساخت کار می‌کنم. در کارگاهم سنگی دارم که نزدیک ۴۵ تن وزن دارد! سنگ‌های کوچکتر هم دارم که از سنگ‌های قیمتی شروع می‌شود تا یک تنی و... اما زمانی که فرزسنگم تبدیل به ویولون می‌شود، سمفونی تراشیدن شروع می‌شود و دیگر زمان و مکان را احساس نمی‌کنم. سنگ، متریال خاصی است، زمان کار باید اضافات سنگ را بیرون بریزی تا آنچه درونش است پیدا شود!

می‌گویند میکل‌آنژ وقتی می‌خواست داوود را بتراشد، سه سال فقط به یک سنگ بزرگ نگاه می‌کرد، وقتی دلیلش را پرسیدند، گفت: باید اضافه‌های این سنگ را پیدا کنم تا داوود آزاد شود...

حداقل ده بار به ایتالیا رفته و به دیدن مجسمه داوود رفته‌ام، بار آخر که به دیدنش رفتم واقعا مقابلش نشستم و حیران شدم از این همه هنر! محاسبات چقدر دقیق بوده! چهار متر و شصت و سه سانت ارتفاع این مجسمه است، حتی رگ‌های دست داوود، دیده می‌شود. این همان حس ویژه و قدرت خاصی است که یک هنرمند دارد. برخی می‌گویند میکل‌آنژ چشم سوم داشته و چیزهایی می‌دیده که عموم مردم نمی‌بینند.

گفتید قبل از این‌که وارد آتلیه شوید با خدا ارتباط می‌گیرید، برای دیدن آنچه مخفی است این کار را انجام می‌دهید؟

دقیقا! شاید باورتان نشود اما قبل از شروع کار وضو می‌گیرم، هرگز بدون وضو کاری را شروع نکرده‌ام. همیشه جوشن کبیر همراه من است. در جوشن کبیر همه اسماء خدا ذکر شده، خدایی که به وجود آورنده همه چیز است.

همه این‌ها باعث می‌شود زمان کار حال خوبی را تجربه کنم. خیلی‌ها با موسیقی حالشان خوب می‌شود، من هم موسیقی گوش می‌کنم اما آنچه بیشتر از همه چیز حالم را خوب می‌کند، صوت قرآن است. بیشتر اوقات در ماشین و در حال حرکت برای رسیدن به مقصد، قرآن گوش می‌کنم چون انرژی خاصی به من می‌دهد.

چند مجسمه مادر ساخته‌اید. در زمان ساخت این آثار چه حس و حالی دارید، بخصوص این‌که خودتان صاحب سه فرزند هستید؟

سال ۷۹ نمایشگاهی انفرادی از تندیس‌هایم در فرهنگسرای نیاوران برگزار کردم و بعد از آن چند نمایشگاه هم در خارج از کشور برپا کردم، هدفم از این نمایشگاه‌های خارجی این بود که نشان دهم، برخلاف ذهنیت‌هایی که در آن طرف مرزها از زن ایرانی وجود دارد و می‌گویند، زن ایرانی مگر مجسمه‌ساز هم می‌شود؟ مجسمه‌ای از مادر و فرزند دارم که همه رگ و پی مادر و فرزند در آن دیده می‌شود. مادر و فرزند از طریق بند ناف به هم متصلند و حتی بعد از تولد فرزند باز هم این رابطه بشدت خونی بین آنها برقرار می‌ماند. تلاش کردم در آثارم این پیوند بسیار زیبا را به نمایش بگذارم.

با توجه به تجربیات زیادی که دارید، چه توصیه‌ای به ما دارید تا بتوانیم حس خوب و حال خوب را تجربه کنیم؟

همیشه به نزدیک‌ترین آدم‌های زندگیم این نکته را می‌گویم که حضور تک تک ما در این دنیا بی‌دلیل نیست. بی‌جهت به این دنیا نیامده‌ایم، کارمان فقط خوردن و خوابیدن نیست. معتقدم باید به آن مشعلی که در درون هر یک از ما روشن است کاملا توجه داشته باشیم و نگذاریم، خاموش شود. وظیفه ما این است که دیگران از گرمای وجود ما استفاده کنند. گرمای یکی ریاضیات است و دیگری، فیزیک و آن دیگری هنر و فرهنگ و... خوردن، خوابیدن، کاسبی و... وظیفه ما نیست.

ما آمده‌ایم تا به گسترش دنیا کمک کنیم و زیبایی‌های آن و در نهایت خداوند را کشف کنیم و عظمت او را به دیگران نشان دهیم. حالا هر کدام از ما به نوعی باید این کار را انجام دهیم.

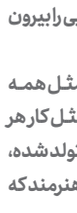

علاقه‌مندی مریخ‌نورد به سلفی

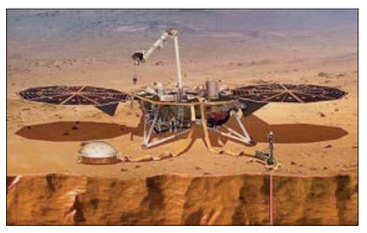

مریخ‌نورد اینسایت ناسا بالاخره روی سطح این سیاره فرود آمد و با ارسال عکس‌های سلفی خود به زمین علاقه‌مندان به ستاره شناسی را هیجان‌زده کرده است.

به گزارش فارس، بررسی‌ها نشان می‌دهد اینسایت شرایط مطمئنی دارد و در سلامت کامل است. با فرود اینسایت بر سطح مریخ ماموریت دوساله آن برای مطالعه در مورد سطح این سیاره سرخ رنگ آغاز شده است. فعالیت مریخ نورد اینسایت حدود پنج ساعت و نیم بعد از فرود روی سطح مریخ آغاز شده و صفحات خورشیدی آن نیز به درستی در مسیر دریافت نور خورشید قرار گرفته است.

سفر اینسایت تا مریخ حدود هفت ماه طول کشیده است و مهم‌ترین نگرانی در لحظات فرود اولیه آن برروی مریخ عملکرد درست صفحات خورشیدی بود. چون در غیر این صورت باتری‌های اینسایت فقط برای چند ساعت فعالیت آن را تضمین می‌کردند.

در حالی که قرار بود بعد از ۱۶ دقیقه صفحات خورشیدی این سایت فعال شوند، پنج ساعت و نیم نفسگیر طول کشید تا اولین اطلاعات بصری اینسایت از مریخ دریافت شود.

مُد کریسمس

با نزدیک شدن کریسمس سایت firebox یک تولید عجیب را عرضه کرده که عبارت از ریسه‌هایی با چراغ‌های کوچک برای تزیین ریش مردان است. این چراغ‌های کوچک به لامپ‌هایی که درختان کریسمس را تزیین می‌کنند شباهت دارد.

به گزارش تابناک، نور ریش عبارت است از یک کابل ۹۰ سانتیمتری با ۱۸ لامپ از نوع Led با رنگ‌های مختلف و متنوع که پیرامون ریش و یا سبیل قرار داده و با یک کلید کوچک روشن می‌شود و بدون درد، حرارت یا ترس از هر گونه سوختگی است.

با وجود این، شرکت سازنده هشدار داده با ریش خیس از این محصول استفاده نکنند و دخترها هم می‌توانند این مد عجیب را در موهایشان استفاده کنند تا در شب کریسمس مثل درخت بدرخشند.

مقطع حساس کنونی

داستان شیر و آهو و سایر جانوران

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در جنگلی حیوانات گوناگونی زندگی می‌کردند. بعضی از آنها بعضی دیگر را می‌خوردند و بعضی از آنها توسط بعضی دیگر خورده می‌شدند و در کنار هم زندگی خوب و خوشی داشتند. روزی از روزها شیر وقتی مشغول نظارت و سرکشی به اوضاع جنگل بود، ماده آهویی را دید که در گوشه‌ای می‌چرید. ماده‌آهو بسیار زیبا و دلربا بود و شیر دلباخته او شد. از آن پس هرجا ماده‌آهو می‌رفت، شیر نیز به دنبالش می‌رفت و از او مراقبت می‌کرد تا به او آسیبی نرسد.

روزی سایر درندگان شیر را به نزد خود خواندند تا او را نصیحت کنند. ببر گفت: «این چه وضعی است، آبرو برای ما نگذاشته‌ای. آخه آهو؟»

پلنگ گفت: «آقاجان، شما باید ایشان را بخوری، نه این‌که ازش مراقبت کنی.»

تمساح گفت: «اگر نمی‌خوری اقلا بده ما بخوریم.»

شیر گفت: «بروید گم شوید. شما عشق را نمی‌فهمید.»

در این هنگام متوجه شدند حیوانی قصد حمله به ماده‌آهو را دارد. شیر بسرعت سراغ آنها رفت و ماده‌شیری را دید که می‌خواهد به ماده‌آهو حمله کند. ماده‌شیر بسیار زیبا و دلربا بود و شیر دلباخته او شد. شیر پس از آن‌که به خود مسلط شد، به ماده‌شیر گفت: «عذر می‌خواهم بانو، شما کی هستید؟»

ماده شیر گفت: «ماده‌شیر.»

شیر گفت: «از شما سؤالی دارم. من با توجه به این‌که دلباخته ماده‌آهویی بوده‌ام، می‌توانم دلباخته شما هم باشم؟»

ماده شیر گفت: «کدام ماده‌آهو؟ همان که خوردمش؟»

شیر گفت: «عه، خوردیش؟»

ماده‌شیر گفت: «بلی.»

شیر گفت: «نوش جونت. باز هم اگه خواستی هست.» و سال‌ها به خوبی و خوشی و در رفاه کامل با یکدیگر زندگی کردند.

ازدواج پادشاه مالزی با دختر شایسته

پادشاه کشور مالزی با دختر شایسته پیشین مسکو پس از تشرفش به دین اسلام ازدواج کرد.

به گزارش خبرآنلاین، سلطان محمد پنجم، پادشاه مالزی با اوکسانا وویوودینا، شهروند روسیه و برنده مسابقه دختر شایسته مسکو در سال ۲۰۱۵ میلادی در تالار جشن مشهور بارویچا کنسرت هال شهر مسکو ازدواج کرد. آنها ۲۴ سال تفاوت سنی دارند و مراسم عروسی‌شان تلفیقی از سنت‌های مردم دو کشور بود.

در این مراسم البته مشروبات الکلی سرو نشد و مهمانان تنها با غذاهای حلال پذیرایی شدند. داماد هم لباس ملی مالزی به تن داشت.

وویوودینا ۲۵ ساله نزدیک به شش ماه پیش به دین مبین اسلام مشرف شده تا به همسری محمد پنجم ۴۹ ساله درآید.

با این حال او هرگز نمی‌تواند تبدیل به ملکه مالزی شود، چرا که این لقب تنها در صورتی به همسر پادشاه تعلق می‌گیرد که ملیت مالزیایی داشته باشد.